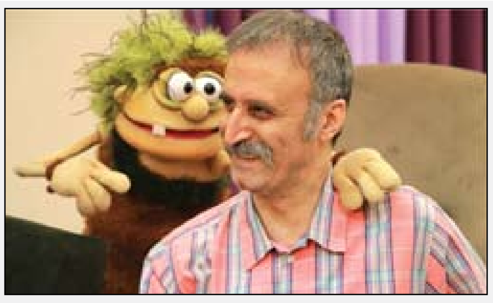

سوغات جنگل کلید خورد

مجموعه عروسکی «سوغات جنگل» به تهیه کنندگی محمد جواد عبدالرحمانی چندی پیش در لوکیشنی واقع در شهرک سینمایی غزالی کلید خورد و در حال حاضر مراحل تصویربرداری و تدوین را برای پخش از شبکه دو سیما پشت سر می‌گذارد.به گزارش خبرگزاری فارس، «سوغات جنگل» در ۱۲۰ قسمت ۲۰ دقیقه ای با هدف ایجاد سرگرمی و ایجاد بستری آموزشی برای گروه سنی کودک و نوجوان تولید می شود تا به زودی روانه آنتن شود. این مجموعه عروسکی سعی کرده با نگاهی طنز به دغدغه های خانواده ها و کودکان بپردازد. امیر سلطان احمدی که شهرتش بیشتر به واسطه عروسک گردانی «پسرعمه زا» بوده است کارگردانی هنری و داریوش کفایی کارگردانی تلویزیونی مجموعه عروسکی سوغات جنگل را بر عهده دارند. همچنین بهادر مالکی (صداپیشه فامیل دور)، نیوشا صدر و امیر سلطان احمدی نویسندگان این مجموعه هستند. شخصیت اصلی «سوغات جنگل» عروسکی به نام نادر است و در کنار او سه بازیگر اصلی حضور دارند. در هر قسمت از این مجموعه به فراخور موضوع و داستان چهره های شناخته شده عرصه سینما، تلویزیون، موسیقی، ورزش و... به عنوان بازیگر مهمان در کنار عروسک نادر حضور خواهند داشت و داستان و ماجرایی را برای مخاطب روایت می کنند.در خلاصه داستان مجموعه عروسکی "سوغات جنگل" آمده است: طی اتفاقی عجیب موجودی که نه کاملا شبیه انسان است و نه حیوان، وارد خانه خانواده ای سه نفره می شود و همین مسئله آغازگر ماجراهایی برای آن ها است... سایر عوامل «سوغات جنگل» عبارتند از: مجری طرح: علی عبدالرحمن/مدیر تولید: مرتضی افضلی/مدیر تصویربرداری: رضا مقصودی/ صدابردار: فرهاد امامی / تدوین: مهشاد امیری و سهیلا موسوی/ جلوه های ویژه: یونس محمدی/طراح صحنه و دکور : امیر بنایی / طراح لباس: مهرنوش بلمه/ طراح گریم: حمید پور سیفی/ آهنگساز: کیوان کیارس.

رسالت
چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۶
۱۲ صفر ۱۴۳۹-اول نوامبر ۲۰۱۷ -سال سی و دوم-شماره ۹۰۷۳

گفتگو

جشنواره فجر و هزینه های جنجالی

حسن برزیده کارگردان سینما در گفتگو با خبرنگار سینماپرس اظهار داشت: بالا رفتن ناگهانیِ هزینه های صورت گرفته در جشنواره فیلم فجر اتفاقی بد و توجیه ناپذیر است. باید کاملا مشخص شود که چرا هزینه ها به یکباره بالا رفته و نمی توان توجیه چندانی برای بالا رفتن هزینه ها پیدا کرد.برزیده خاطرنشان کرد: البته در سال گذشته تا جایی که من اطلاع دارم تعداد مهمانان خارجی بیش از سال های گذشته بوده ولی همیشه باید دعوت از مهمانان خارجی در حد معقولی باشد. مطمئناً باید مهمان داری خوبی صورت بگیرد و ما نباید شرایط مان را با جشنواره های جهانی دیگر مقایسه کنیم. ما کشوری هستیم که به لحاظ سیاسی شرایطی داریم که می خواهیم با گردشگری به مهمانان خارجی مان بفهمانیم که کشوری زیبا و امن داریم. مطمئناً افرادی که به جشنواره فیلم فجر می آیند افرادی هستند که در فرهنگ شکل گرفته کشورشان تأثیرگذار هستند و ما می توانیم با سرمایه گذاری روی این افراد چهره خوبی از کشورمان را به جهان ارائه دهیم اما در همه این اتفاقات باید صرفه جوییِ صورت بگیرد و باید مسئولان با کمترین هزینه به بهترین نتیجه برسند.وی افزود: مطمئناً هر مهمانی که وارد جشنواره فیلم فجر می شود باید پذیرایی آبرومندانه ای از او بشود اما این پذیرایی ها نمی تواند بهانه ای برای هزینه های گزاف باشد. در نظر گرفتن مسائل سیاسی در جشنواره فیلم فجر اتفاقی است که به نظر من بسیار پسندیده و خوب است. مسئولان نباید از جایگاهی که دارند به عنوان رانت استفاده کنند و تا زمانی که درباره هزینه های صورت گرفته شفاف سازی انجام نشود شک و شبهه هایی که درباره بودجه صرف شده به وجود می آید طبیعی است. این کارگردان در ادامه اظهارِ داشت: مسئولان موظف به شفاف سازی هستند و اگر شفاف سازی صورت نگیرد مطمئناً در دوره های بعدی جشنواره نیز ریخت و پاش های اضافه و اسراف بودجه فرهنگی کشور ادامه خواهد داشت. مسئولان باید ما را از دلایل هزینه های صورت گرفته آگاه و توجیه کنند و حتی ممکن است با توضیحاتی که ارائه می دهند همه حملاتی که به آنها می شود از بین برود. به اعتقاد من شفاف سازی نه تنها به نفع مردم و هنرمندان است بلکه بیشتر از هر کس مسئولان جشنواره از این اتفاق بهره می برند و این بیشتر به نفع آن ها است. کارگردان فیلم سینمایی «مزارشریف» خاطرنشان کرد: بودجه هزینه شده در جشنوارِه فیلم فجر از اموال تک تک مردم است و ما نباید نگاهی جناحی به آن داشته باشیم. مطمئنا هر کس از هر جناحی در روشن شدن هزینه های صورت گرفته اتفاق نظر دارد و از طرفی راجع به اتفاقاتی که در جشنواره رخ داده باید افرادی که تخصص دارند نظر بدهند. به عنوان مثال من دکوری را که در آخرین دوره جشنواره به کار گرفته شده بود دکوری مناسب می دانم اما چیزی که مشخص است این دکور تفاوت چندانی با دکور سال گذشته ندارد و باید مشخص شود که چقدر هزینه صرف آن کرده اند.برزیده در ادامه اظهار داشت: حتی اگر مسئولان جشنواره از اسپانسر در برگزاری جشنواره استفاده کرده اند نیز باید صرفه جویی را مدنظر قرار دهند و عقل حکم می کند که جشنواره به بهترین شکل و با کمترین هزینه برگزار شود. ما باید قبل از هر چیز مدیری دلسوز و مورد اعتماد را انتخاب کنیم و از او بخواهیم که مراسمی آبرومندانه با هزینه ای مناسب برگزار کند. مدیران خوب و منصف نیز در هزینه هایی که انجام داده اند باید شفاف سازی کنند و این به نفع کشور، مردم و مسئولان است.حسین گیتی منتقد سینما نیز در این زمینه گفت: در سال های گذشته شاهد بودیم که گاه بیش از ۶۰ فیلم به جشنواره راه پیدا می کردند که این به خودی خود اتفاقی غیر قابل قبول بود اما در سال های اخیر سعی بر این بوده تا تعداد فیلم ها به حداقل برسد که از نظر من می تواند اتفاقی خوب باشد اما کم شدن فیلم ها احتمالات بسیاری را به وجود می آورد که به خودی خود بسیار خطرناک است و امکان دارد سینمای ایران را متضرر کند. یکی از خطراتی که این اتفاق را شامل می شود سفارش هایی است که ممکن است برای هیئت انتخاب صورت بگیرد. به عنوان مثال در گزینش فیلم ها ممکن است با توجه به اینکه تعداد آثار به ۲۲ عدد محدود شده تنها فیلم های دولتی یا فیلم هایی که کارگردان های آن با دولت در تعامل باشد به جشنواره راه پیدا کنند. در این صورت ممکن است سهم ناچیزی از جشنواره فجر نصیب فیلم هایی که لایقش هستند شود. با توجه به تصمیمی که مسئولان

برای جشنواره فیلم فجر مبنی بر محدود شدن تعداد آثار گرفته اند باید هیئت انتخاب از افراد منصف باشند و در غیر این صورت این محدودیت به شدت به ضرر سینمای ایران تمام خواهد شد.این منتقد اظهار داشت: تغییر مکان برگزاری جشنواره بسیار باعث تأسف است. برج میلاد به مکانی مناسب برای مهم ترین جشنواره سینمایی کشور تبدیل شده است و تصمیمات جدید مبنی بر جابه جایی کاخ جشنواره بسیار تأسف بار است. آقای شمقدری در زمان معاونت شان برج را به عنوان کاخ جشنواره در نظر گرفت و با توجه به اینکه هیچ مکان مناسبی برای برگزاری جشنواره وجود ندارد کاخ بهترین مکان برگزاری است که همه اقشار سینما می توانند در آن حضور داشته باشند.وی افزود: با برگزاری جشنواره فیلم فجر اصحاب رسانه، منتقدان و سینماگران در برج میلاد جمع می شدند و محفلی برای برقراری ارتباط بین اهالی سینما به وجود می آمد که این محفل منجر به اتفاقات خوب در سینما می شد اما با جداسازی اهالی سینما از یکدیگر با توجه به نگاه نادرستی که نسبت به اهالی سینما، منتقدان و اصحاب رسانه وجود دارد این محفل بسیار ارزشمند از بین می رود که به خودی خود اتفاق بسیار تلخی است.گیتی در ادامه تصریح کرد: با جدا سازی بخش بین الملل از بخش ملی هزینه های وحشتناک و مسئله سازی گریبانگیر سینمای ایران شد و از آنجا که فیلم های خوبی نیز در این بخش از جشنواره حضور نداشتند این همه هزینه به نظر من بی دلیلِ بود. اگر مسئولان قصد دارند به جداسازی بخش بین الملل از بخش ملی ادامه دهند حتماً باید در انتخاب دبیر و مسئولان برگزاری این جشنواره بیشتر توجه کنند و هزینه ها نیز باید کنترل شوند. متأسفانه در جشنواره فیلم فجر مدیران اضافه و غیر حرفه ای بسیاری وجود دارند که شایستگی سمتی که به آن ها داده شده را ندارند. ما منتقدان و اهالی رسانه هر سال شاهد تبعیض بین اهالی سینما بوده ایم و با تغییر مکان برگزاری جشنواره و جداسازی سینماگران از هم این اتفاق بیش از پیش رخ خواهد داد.

گفتگوی هنرمندان از چالش های حضور سوپراستارهای سینما در تئاتر؛

نباید اعتماد تماشاگر را به تئاتر کم کنیم

اشاره:

برخی اهالی هنر معتقدند که نباید ادبیات دراماتیک و تئاتر را شوخی گرفت، استفاده از سوپراستارهای سینما در تئاتر نوعی ساده انگاری و شوخی با هنر ارزشمند تئاتر است اما عده‌ای معتقدند که چرخ هنرهای نمایشی باید بچرخد و گیشه هم جزئی از اقتصاد تئاتر است! خبرگزاری فارس طی گزارشی نوشت: یکی از چالش‌ها و مباحث قابل تأملی که این روزها دامن تئاتر کشور را گرفته و نقطه نظرات مختلفی درباره آن بین کارشناسان، منتقدان و اهالی تئاتر و مسئولان این حوزه مطرح می‌شود، حضور سوپراستارهای سینما در عرصه تئاتر است. هر چند به تعبیر خیلی‌ها سوپراستارهای امروز سینما هم زادگاهشان از تئاتر بوده و حق مسلم شان این است که در هر حوزه‌ای که بخواهند حضور داشته باشند اما عدم مدیریت یا شاید بی توجهی و همینطور سایر مسائل باعث شده تا عده‌ای از اهالی تئاتر احساس خطر کرده و هنر تئاتر و به تعبیری شاید کیفیت تئاتر را در معرض خطر ببینند. دراین زمینه مسائل و مباحث مختلفی مطرح می‌شود که تلاش داریم در این گزارش به بخشی از این مسائل بپردازیم؛

*** سوپراستارهایی که از تئاتر آمده‌اند:**

نخستین نکته این است که بررسی کنیم چه کسانی از بین اشخاصی که جزء سوپراستارهای امروز سینمای ما محسوب می‌شوند، از تئاتر فعالیت خود را شروع کرده‌اند. طبق آمار، بسیاری از بازیگران پیشکسوت امروز سینمای ایران فعالیت هنری خود را از صحنه‌های تئاتر آغاز کرده و سپس جلوی دوربین تلویزیونی یا سینما رفته‌اند. بزرگان سینمای ایران از جمله عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، پروانه معصومی، گلاب آدینه، مرحوم داود رشیدی و حمیده خیرآبادی و جمیله شیخی و بعد از آن سال‌ها افرادی چون گوهر خیراندیش، پرویز پورحسینی، حسن پورشیرازی، مسعود رایگان، محمدرضا شریفی نیا، رضا ژیان، فرهاد آییش، فرامرز قریبیان، فاطمه معتمدآریا، آزیتا حاجیان، علیرضا خمسه، پرویز پرستویی، رویا نونهالی، پانته آ بهرام، سیما تیرانداز، آتیلا پسیانی و بسیاری دیگر هستند که فعالیتشان را از تئاتر آغاز کردند.

از جمله تئاتری‌های موفق آن دوران همچنین می‌توان به اکبرعبدی، مرحوم خسروشکیبایی و ابوالفضل پورعرب اشاره کرد که اینها در دوره جوانی‌شان از بهترین‌های سینمای ایران بودند. افراد دیگری مثل آزاده صمدی، بهنوش بختیاری، ترانه علیدوستی، نگار جواهریان، بهاره رهنما، هومن برق نورد، مهدی پاکدل، امیر جعفری، هومن سیدی، پیمان معادی، پگاه آهنگرانی، نوید محمدزاده، رضا عطاران، ریما رامین فر، پانته آ پناهی‌ها و بسیاری دیگر نیز از جمله تئاتری‌های خوبی هستند که الان نیز در این عرصه فعالیت می کنند.

اما نکته مهم در این گزارش این است که بسیاری از همین افرادی که از تئاتر سربرآوردند و در سینما نام و آوازه‌ای برای خود کسب کردند و حتی کسانی که اصلا از تئاتر نیامدند و در سینما هستند به دلایل مختلف این روزها به عرصه تئاتر دوباره رجعت کردند البته خیلی از آنها فعالیت خود را در تمام این سال‌ها در تئاتر قطع نکرده بودند و به دلیل شهرتشان تئاترهایشان نیز اسم و رسم دارد و به تعبیری فروش خوبی هم دارد اما مسئله این است که حضور این سوپراستارها در تئاتر امروز می‌تواند گویای بالندگی تئاتر و چرخش وضعیت مالی تئاتر کشور باشد یا عاملی برای بی کیفیت شدن کارها و گیشه‌ای و تجارتی شدن آنها؟

*** معایب و مزایای حضور سوپراستارها در تئاتر:**

اکبر زنجانپور، پیشکسوت عرصه تئاتر معتقد است که تئاتر امروز از معنای حقیقی اش خالی شده است و حس و حال گذشته را ندارد. وی می‌افزاید: مسئله مهم این است که عده ای امروز معتقدند سالن های نمایش پر است، پس ما مشکلی نداریم. درست است که شاید پر باشد اما آیا هنر مطلق رواج دارد؟ تئاتر نباید ضد انسانی یا گیشه ای شود. صرفاً با چند چهره سینمایی و تلویزیونی، تئاتر درست نمی شود. امروز خیلی ها پیشنهاد می کنند که برای کار تئاتر از چهره ها استفاده کنیم.

میکائیل شهرستانی بازیگر و کارگردان تئاتر ایران نیز معتقد است که وضعیت تئاتر امروز خوب نیست چرا که خیلی از کارها به دلایل مختلف کیفیت لازم را ندارند. تا مسئولان وارد عرصه نشوند مشکلات حل نمی‌شود. پای برخی افراد باید از تئاتر بریده شود. خیلی از چهره‌ها به تئاتر می‌آیند، البته حضور برخی‌هایشان هم خوب است و از نظر من بد نیست که بازیگر سینما به تئاتر بیاید به شرطی که این بازیگر برای خود تئاتر به عرصه آمده باشد و تجربه این کار را داشته باشد نه اینکه برای کسب درآمد و فرار از بیکاری به این عرصه بیاید!

یکی از مشکلات دیگری که این روزها گریبان تئاتر را گرفته باب شدن کنسرت ـ نمایش‌هایی است که این روزها حداقل در تهران زیاد می‌بینیم. کنسرت - نمایش‌هایی که با حضور چند موسیقیدان یا خواننده مطرح و چند بازیگر چهره سینمایی و تئاتری آوازه‌ای در سطح شهر تهران به هم زده و فروش خوبی هم دارند.

برخی از اساتید و کارشناسان تئاتر معتقدند که این کنسرت - نمایش‌ها به تئاتر ضربه زده و تئاتر امروز را دچار معضل گیشه محوری می‌کند. برخی از این کنسرت - نمایش‌ها بلیت‌هایی بیش از ۲۰۰ هزار تومان هم دارند و این تازه قیمت رسمی آن است و شاید در بازار سیاه قیمت آنها بیش از این هم شود.

دکتر محمود عزیزی نیز درباره حضور سینمایی‌ها در تئاتر می‌گوید که شاید وجود این هنرمندان، گیشه را تغییر دهد اما به ضرر گروه‌های جوان و تئاتری‌هاست که توانایی پرداخت هزینه‌های گزاف سالن‌های تئاتری و حمایت‌های آنچنانی را ندارند. درنتیجه باعث سرخوردگی آنها می‌شود.

حسین مسافر آستانه نیز می‌گوید که این نوع جذب تماشاگر عامل نارضایتی برای خود تئاتر است. اینکه ما از هر طریق غیر اصولی با طرح چهره‌های محبوب مردم و ترفندهای دیگر مردم را به سالن تئاتر می کشانیم، ترسم این است که مقطعی باشد و در دراز مدت به تئاتر لطمه بزند و اعتماد تماشاگر را در دراز مدت به تئاتر کم‌رنگ کند.

وی در ادامه می‌گوید که تنها ممیزی‌ام این است کاری که به صحنه می‌رود اعتماد مردم را خراب نکند. ما به اعتماد مردم برای تاثیرگذاری بیشتر تئاتر نیاز داریم. خط قرمز من این است که با دروغ و تبلیغات غلط، مردم را به چیزی نکشانیم که آنچه ادعا کردیم نباشد و مردم پس بزنند. این بدترین جفا به تئاتر است که شاید مقطعی تماشاگر جذب شده و پول بلیت را بگیریم اما در درازمدت تبعات منفی دارد.

مصطفی کوشکی مدیر تئاتر مستقل نیز می‌گوید : حضور سوپراستارها زمانی در تئاتر نگران کننده است که برخی کارهای بی کیفیت داشته باشند. سلبریتی‌هایی براساس تعداد فالوئر برای بازی در نمایش‌ها انتخاب می‌شوند، حتی افرادی که از فشن شوها یا خواننده‌ها به این عرصه می‌آیند. اینجاست که خطر احساس می‌شود.

اما در کنار همه اینها برخی نیز معتقدند که حضور ستارگان سینما در نمایش‌های امروز عامل رونق تئاتر شده است. حتی افرادی مثل پیمان شریعتی مدیر تئاتر شهر نیز معتقد است که با رونق گرفتن گیشه‌ها مردم نیز تماشاگران پروپا قرص تئاتر می‌شوند و این چه اشکالی دارد؟

حشمت آرمیده بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون هر چند رونق این روزهای گیشه‌های تئاتر را با اهمیت می‌داند اما معتقد است که تئاتر نباید به سمت بی محتوایی برود و برخی سوپراستارها فقط به دنبال کسب گیشه هستند.

در مقابل، زهرا شایانفر کارگردان تئاتر نیز می‌گوید که با حضور سوپر استارها مخالف نیست چون در فضای تجاری تئاتر لاجرم باید منتظر هر اتفاقی برای بردن در رقابت جذب مخاطب بود و این بد نیست و تا وقتی که تماشاگر، تئاتر را بر اساس چهره‌ها انتخاب کند این مسئله وجود خواهد داشت. وی می‌افزاید: در همه دنیا هم همین اتفاق می‌افتد. بازار کار و چرخه مالی باید وجود داشته باشد. گروه، کمپانی یا سالن خصوصی هم باید بتواند روی پای خودش بایستد. به نظر من چون سینما یک صنعت است و به جهان تجارت نزدیک تر، دست اندرکاران این حوزه سریع تر بازار کار تئاتر را در دست خواهند گرفت. زمانی که یک تهیه کننده می‌تواند با ۵۰ میلیون که بخش کوچکی از سرمایه لازم برای یک پروژه سینمایی است، تهیه کننده تئاتری بشود که دو برابر پولش را بر می‌گرداند، چرا این کار را نکند؟ حالا تعدادی از بازیگران یا عوامل و طراحان سینمایی هم باشند.

لیلا بلوکات بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون نیز معتقد است برخی سوپراستارها از حضور در تئاتر می‌ترسند، چرا که قدرت آن را ندارند و برخی بازیگران بی‌استعدادی در سینما داریم که فقط به خاطر ظاهر و روابط، کار می‌کنند.

جمشید مشایخی نیز در باره سابقه استفاده از چهره‌های سرشناس سینما برای کمک به گیشه تئاتر، می گوید: نمی خواهم نام ببرم ولی پیش از انقلاب اسلامی نیز یکی از سوپراستارهای سینمای کشور، به تئاتر آمد اما مخاطب از بازی او استقبالی نکرد. تا کسی سال‌ها زحمت نکشیده باشد، نمی تواند از عهده ایفای نقش در صحنه نمایش بر آید.

این هنرمند برجسته سینما و تئاتر کشور می‌افزاید که نباید ادبیات دراماتیک و تئاتر را شوخی دانست. به نظرم استفاده از سوپر استارهای سینما نوعی ساده انگاری و شوخی با هنر ارزشمندی مانند تئاتر است. این نگاه غیر حرفه ای به تئاتر کشور لطمه های جبران ناپذیری می زند. درام نیاز به تجزیه و تحلیل دارد. هنرپیشه باید با تمرین و ممارست، شناسنامه نقش را بیرون بیاورد تا بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

برای بررسی جامع این پدیده و چرایی مهاجرت سوپراستارها از سینما به تئاتر باید از جنبه‌های دیگری مانند اقتصادی و... نیز به این موضوع نگاه کرد که در گزارش‌های دیگری به آنها خواهیم پرداخت.

استاد جمشید مشایخی: نباید ادبیات دراماتیک و تئاتر را شوخی دانست. استفاده از سوپراستارهای سینما نوعی ساده انگاری و شوخی با هنر ارزشمندی مانند تئاتر است. این نگاه غیر حرفه‌ای به تئاتر کشور لطمه های جبران ناپذیری می زند

اکبر زنجانپور، پیشکسوت عرصه تئاتر: تئاتر امروز از معنای حقیقی اش خالی شده است و حس و حال گذشته را ندارد. عده ای امروز معتقدند سالن های نمایش پر است، پس ما مشکلی نداریم. درست است که شاید پر باشد اما آیا هنر مطلق رواج دارد؟ تئاتر نباید ضد انسانی یا گیشه ای شود. صرفاً با چند چهره سینمایی و تلویزیونی، تئاتر درست نمی شود

نگاه

جشنواره ای ناامید، غیر خلاقانه و بی هویت!

سینمای امید، دروغی بود که سال گذشته حجت‌الله ایوبی در مواجهه با انتقادات فزاینده به سینمای تلخ و ناامیدکننده ایران بر زبان جاری کرد؛ وعده‌ای که او و همکارانش حتی یک قدم هم برای نزدیک‌شدن به آن برنداشتند. وضعیت در دوره محمد مهدی حیدریان نیز به همین منوال در حال ادامه پیدا کردن است. اگر ایوبی در ماه‌های پایانی دوره مدیریتش از سینمای امید ذکری به میان می‌آورد، خلف او، حیدریان حتی از لفاظی در این زمینه نیز پرهیز می‌کند.

روزنامه جوان نوشت: آثار راه یافته به سی و چهارمین جشنواره فیلم کوتاه تهران نشان می‌داد که تلخی، بی‌هویتی، تشتت مضمونی و ناتوانی در خلق فیلمنامه و روایت و قصه همچنان در آثار فیلمسازان جوان موج می‌زند و سازمان سینماییِ و انجمن سینمای جوان به عنوان متولی فیلم کوتاه در کشور اصلا به خودش زحمت هم ندادند برای درمان این بیماری‌های مزمن و کهنه چاره‌ای بیندیشند. بگذریم که موضوع انقلاب اسلامی و اتفاقات و ابتلائات و اقتضائات این روزها و سال‌های قبل در این عرصه اساساً در مضامین و دغدغه‌های فیلمسازان جوان محلی از اعراب ندارد.

*** مضمون فقر؛ مسئله دامنگیر فیلم کوتاه**

همچنان فقر و فلاکت، جذاب‌ترین و محوری ترین مضمون آثار فیلمسازان جوان است؛ موضوعی که البته نمی‌توان آن را کتمان کرد و در چهار سال اخیر و با روی کار آمدن دولت سرمایه سالار و لیبرال مسلک یازدهم در کشور شدت بیشتری گرفته است، اما نادانی و ناتوانی در پرداختن به موضوع فقر مسئله‌ای است که غیرقابل کتمان است. نابلدی در آثاری که مشکلات اقتصادی طبقه محروم را دستمایه کار قرار داده‌اند، در فیلم‌ها موج می‌زند. یکی از علت‌ها حتماً این است که فیلمسازان کاراکترها و قصه‌هایی را که خلق می‌کنند، دوست ندارند و آنها را صرفاً به عنوان ابزاری برای مطرح شدن می‌بینند.

برای همین است که در اغلب آثار حتی نمی‌توان یک قصه جذاب و یک کاراکتر خوب پیدا کرد. علت دیگر این مسئله این است که انجمن سینمای جوان و مؤسسات دیگر آموزش فیلمسازی در کشور بخش مربوط به محتوا، قصه، کاراکتر، هویت ملی و موضوعاتی از این دست را دستکم گرفته‌اند و فیلمسازان را بیش از همه با تکنیک و فرم آشنا می‌کنند و بدیهی است که از دل این فرمالیسم افراطی عجین‌شده با رئالیسم بی‌منطق آثار قابل‌توجهی خلق نخواهد شد. وقتی جشنواره فجر انقلاب در رویکردی غیرعقلانی به فیلمی چون «ابد و یک روز» ۹ جایزه را با سخاوت هدیه می‌دهد و فیلمسازی نوجوان را بر قله سینمای ایران می‌نشاند، در واقع دارد برای یک دهه به فیلمسازان این مرز و بوم الگویی ارائه می‌دهد که خلاصی از آن با یک سال و دو سال میسر نمی‌شود.

برای نمونه «شب تولد» ساخته امید شمس، حادثه و معما را محور یک اثر رئالیستی قرار داده است، اما چون اساساً قواعد ژانر را رعایت نکرده و تنها خواسته به تقلید از سینمای اصغر فرهادی دست به خلق حادثه بزند، توفیقی نیافته است.

*** خلاقیتی که مرده!**

فیلم «سس» ازتوران نجفی از ارومیه به سبک آثار فوق رئالیستی سهراب شهید ثالث ساخته شده و به همان اندازه کشدار است؛ اثری که به دلیل ضعف در کاراکترسازی حوصله سربر و بی‌روح از کار درآمده است، در واقع فیلمساز کمترین خلاقیتی برای جذاب و پرکشش کردن قصه‌اش انجام نداده است.

«دریازدگی» ساخته حمید اصلانی هم تا حدودی سعی کرده‌است قصه ساده‌اش را جذاب روایت کند، هر چند با اثری رو به جلو مواجه نیستیم و مانند کارهای دیگر به خودکشی یک پدر ختم می‌شود.

«خروس ها» ساخته امیررضا جلالیان از قزوین نیز فیلمسازی را بیش از حد کاری آسان فرض کرده و برای خلق قصه و شخصیت زحمتی به خود نداده است.

فیلم کوتاه تهران
34th Tehran International Short Film Festival

«جایی برای آرامش» ساخته جمیل عامل صدیقی از مشهد هم تلخی و فقر را در بستر داستانی خیلی معمولی و بیش از حد پیش پاافتاده روایت می‌کند.

«ساعت - چهار» ساخته عاطفه محرابی را نیز باید اثری خلاقانه توصیف کرد که داستانش را برخلاف روال آثار کوتاه با خلاقیت‌هایی عجین کرده است. اگرچه با داستانی درباره مرگ، خودکشی و تنهایی مواجهیم، اما نمک کار و خلاقیت‌های فرمی اثر منجر به خلق اثری جذاب و بامزه شده که مخاطب را تا انتها با خود همراه می‌کند. محرابی ثابت کرده‌است که می‌توان به موضوعات از زاویه‌ای دیگر ورود کرد و زهر و تلخی بی‌حد و حصر قصه را گرفت.

«مادر مرده» اثر حامد نجابت را هم باید فیلمی حوصله سربر، متشتت، بی‌روح و مرده محسوب کرد که کمترین خلاقیتی در آن دیده نمی‌شود.

*** خوش‌بینی غیر معقول**

ظاهراً دست اندرکاران برگزاری جشنواره معتقد بودند فیلم بد وجود ندارد، فیلم یا خوب است یا متوسط، این را می شد از جعبه‌های نظرسنجی تعبیه شده در کنار سالن‌ها فهمید که فقط دو جعبه وجود داشت و نه بیشتر. این می‌تواند یک خوش‌بینی غیرمعقول قلمداد شود. آثار ضعیف بخش عمده‌ای از فیلم‌ها را تشکیل می‌دادند و اگر این ضعف کتمان شود، نمی‌توان به بهبود اوضاع امیدوار بود.

رئالیسم افراطی همچنان غلبه بی‌حد و حصری در آثار راه‌یافته به جشنواره فیلم کوتاه تهران داشت. اساساً سینمای جشنواره‌ای و میل به دیده شدن به هر قیمت در جشنواره‌ها سمت و سوی آثار را به سمت مضامینی برده که ابزاری بودن آنها را نمی‌توان انکار کرد.

اغلب داستان‌ها و فیلمنامه‌ها از انسجام درونی کافی برخوردار نبودند و از ضعف مفرطی رنج می‌بردند. خود جشنواره نیز به طور قطع در این باره مقصر بود. اینکه به چه آثاری جایزه داده شود، خود نقش غیرقابل‌انکاری در رویکردهای آتی فیلمسازان دارد. هر قدر که به آثار متفاوت و خلاقانه‌تری روی خوش نشان داده شود، در گرایش‌های آینده نقش‌آفرین خواهد بود، در این باره نوع و جنس چینش داوران نیز بی‌تأثیر نیست، اگر قرار است جشنواره فیلم کوتاه الگوبخش باشد که حتماً هست، پس رویکرد انجمن سینمای جوان در چینش مهره‌هایش برای برگزاری این جشنواره اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

برای سینمای امید هر چند هیچ‌وقت تعریف مشخصی ارائه نشد، اما این موضوع همچنان می‌تواند مطالبه‌ای اساسی باشد، اینکه مرکزی چون انجمن سینمای جوان در سمت و سو دادن به مضامین فیلم کوتاه نمی‌تواند نقش داشته باشد یا ناتوان است، موضوع قابل تأملی است.

مدیریت انجمن سینمای جوان همواره در حد مدیریتی اجرایی صرفاً جهت برگزاری خنثای جشنواره‌ها تقلیل پیدا کرده‌است و راهبردهایی که بتواند مبانی فکری را ارتقا دهد، دیده نمی‌شود. این تلخی و ناامیدی بی‌پایان در سینمای ایران بی‌تردید ریشه در ضعف استراتژی مدیرانی دارد که هنوز علت‌های بیماری را نشناخته‌اند تا بخواهند به درمان آن مبادرت کنند.

یدالله کابلی:

ارزش خوشنویسی از یاد رفته است

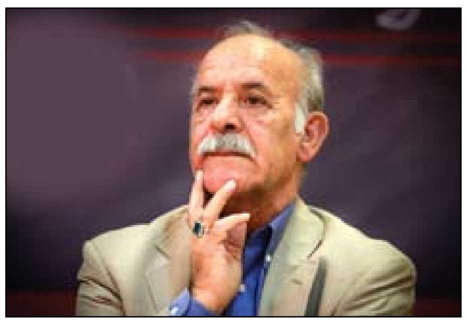

آزاده سهرابی

هنرمند خوشنویس کشور گفت: این روزها گالری ها مشغول روزمرگی اقتصادی و مدیریت سلیقه ای شده‌اند و با وجود این همه هنرمند، اکثر گالری‌ها دنبال افراد و هنرمندان پول‌ساز هستند.یدالله کابلی خوشنویس پیشکسوت و برجسته درباره تاثیر انجمن خوشنویسان طی این سال ها در حوزه خوشنویسی کشورمان اظهار داشت: انجمن خوشنویسان ایران به عنوان یکی از بزرگترین کانون های فرهنگی کشور و عضویت بیش از ۳۶ هزار هنرمند و هنرجو در مقاطع مختلف و جمع کثیری از استادان کارآزموده و مدرسان مجرب و احداث ۳۶۰ شعبه در سراسر کشور این فرصت را دارد تا در جشنواره ها و رویدادهای هنری فصلی متعدد، فضای تعامل و گسترش ارتباطات فرهنگی هنری را با اعضای خود و علاقه مندان این عرصه فراهم کند. در این مجموعه هنرمندان جوان و پویا و خلاق موفق می شوند با رقابت های سازنده و با انگیزه های بالا و ارائه آثاری درخشان تشویق شوند تا به مراتب بالاتری برسند و همین موضوع به رشد و توسعه هنر کمک می کند. وی بیان داشت: در هفته خوشنویسی که هنرمندان برجسته خوشنویسی که دستاوردهای عملی و نظری خود را در در قالب آثار نمایشگاهی و کارگاهی در معرض دید علاقه مندان و مردم دوستدار هنر خوشنویسی قرار می دهند، فرصت بسیار مطلوبی برای ترویج و معرفی بیشتر هنر خوشنویسی است. همچنین انتخاب هفته خوشنویسی یک رویکرد تازه برای گسترش بیشتر این هنر در میان جامعه و جلب توجه مسئولان فرهنگی هنری کشور است.این پیشکسوت خوشنویسی در پاسخ به این پرسش که چرا در طول سال برپایی نمایشگاه های خوشنویسی در گالری ها کمرنگ است و به جای آن به هنر نقاشی خط پرداخته می شود، بیان کرد: یکی از مشکلاتی که در فضای خوشنویسی کشور پیش آمده کمرنگ شدن توسعه اقتصادی هنر اصیل خوشنویسی است. با آنکه همه اعتبار و قداست این هنر مرهون شیوه های اصیل و سنتی است اما اغلب فرصت ها و فضاهای عرضه و تقاضا در اکسپوها و حراجی ها در داخل و خارج از کشور به نقاشی خط اختصاص یافته و جالب اینکه حجم این تلاش و کوشش و تبادلات در برابر دستاوردهای هنر اصیل خوشنویسی بسیار ناچیز است و همه این مسائل موجب دلسردی و ناامیدی هنرمندان خون جگرخورده شده است.کابلی ادامه داد: الان در دورافتاده ترین نقاط کشور - حتی شعبات مرزی - ما شاهد بروز و ظهور جوانان بسیار موفق و هنرآفرینی هستیم که گاه در گمنامی در این حوزه مشغول به فعالیت هستند و حتی هنوز فرصت نیافته اند کمترین بهره ای از یک عمر تلاش خود داشته باشند و با نهایت بی توجهی مسئولان امر در شهرهای خود، در عین محرومیت مادی و معنوی به خدمت مجانی تن در می دهند. بنده توفیق داشته ام در چندین دهه مسئولیت ارتباطات فرهنگی و نمایشگاه های انجمن را عهده دار باشم و کاملا به این تنگناها واقف هستم. حمایت نکردن گالری ها از این جوان ها جای بسیار گلایه دارد. این روزها گالری ها مشغول روزمرگی اقتصادی و مدیریت سلیقه ای شده اند که با وجود این همه هنرمند، اکثرا دنبال افراد و هنرمندان پول ساز هستند.

این شکسته نویس گفت: بنده شاهد هستم هنرمندانی در این اوضاع دشوار اقتصادی تنها با ارتباطات و مدیریت های سلیقه ای و باندبازی، بودجه های هنگفت فرهنگی و هنری را چگونه تصاحب می کنند، در حالی که هنر مندان شایسته بسیاری هستند که به دلیل بی ارتباطی از این امکانات مالی کشور بی بهره می مانند. بنده هیچ گاه مخالف نقاشی خط و فعالیت های گرایشی متفاوت در عرصه هنر نیستم و اتفاقا این عرصه باعث شده است خوشنویسی ما رونق بیشتری به خود بگیرد و ما خوشحالیم در روزگاری که هنر خوشنویسی در رکود بود، نقاشی خط زبان برون مرزی پیدا کرد اما فراموش نکنیم قبل از این دوره، سنگ بنای پیدایش اعتبار خوشنویسی ایرانی با رنج به دست آمده و بسیاری کسان در بسترسازی این فرآیند نقش داشته اند که نباید نادیده گرفته شوند. این هنرمند پیشکسوت با بیان اینکه هنر خوشنویسی ما در هر موزه ای که کوچک ترین نشانی از تمدن و فرهنگ ایران دارد حضور دارد، اظهار کرد: در چند موزه اثری از نقاشی خط پیدا می کنید؟ نقاشی خط امروزه بیشتر به سبب اسپانسرها و ارزشیابی کمپانی ها به رخ کشیده می شود. باز هم می گویم که بنده مخالف این هنر نیستم خصوصا با وجود هنرمندانی چون فرامرز پیل آرام و نصرالله افجه ای و رضا مافی که در این عرصه نامدار هستند و هنوز هم بسیاری دارند از توانمندی آنها تقلید می کنند، اما این بها دادن به نقاشی خط نباید جلوی دیدگان ما برای بها دادن به هنر خوشنویسی را بگیرد.کابلی با گلایه از مسئولان هنری کشور گفت: من گمان می کنم امروزه هر موفقیتی در حوزه هنر کوشش و تلاش شخصی هنرمندان است، اما اگر انتظار داریم حرکت های بلند و جهانی داشته باشیم بدون حمایت مسئولان و عنایت آنها که متولیان اصلی توسعه و ترویج هنر هستند نمی توان به صورت کلان، راهبردی برای هنر متصور شد. در واقع در حوزه بین المللی این مسئولان هستند که باید راهکاری داشته باشند.وی ادامه داد: محصول این دوره خوشنویسی ما از دروازه های کشور عبور می کند و هنرمندان هم از این حضور استقبال می کنند و در جشنواره های خارج از مرز حضور دارند اما در جشنواره های داخلی رغبت حضور ندارند که علتش این است که آنجا جوایزی که تعیین می کنند ۵۰ هزار دلار و ۱۰۰ هزار دلار است و اینجا باید چانه بزنیم که جایزه یک سکه بهار آزادی به برندگان بدهند.

این خوشنویس اظهار کرد: به هر حال اولین انگیزه حضور در هر جشنواره ای علاوه بر مقام و ارزش معنوی آن، جوایز آن است. تا چنین خلأهایی را پر نکنیم واقعا راه به جایی نمی بریم و هر چه در باب اهمیت هنر نگارگری و خوشنویسی می گوییم جز شعار نیست. این خوشنویس گفت: جشنواره ها عالی ترین فرصت برای رقابت های سازنده و بروز و ظهور خلاقیت های جوانان نخبه و پویای هر رویداد هنری است و قطعا یکی از مولفه های ترغیب و تهییج انگیزه های مثبت آنها بهره مندی از جوایز و دستاوردهای مالی است که بدان شوق و ذوق دارند و تا زمانی که نسبت به ارتقای این امر در رقابت ها توجه نکنیم هیچ راهکاری برای جذب نسل جوان نخواهیم داشت، چراکه آنها در طول سال ها تلاش خود هیچ گاه نتوانسته اند بهره مالی کسب کنند و این کوتاهی و بی توجهی موجب دلسردی و رکود فعالیت های هنری خواهد شد.

وی بیان کرد: امروزه بسیاری از هنرمندان شایسته و استادان بزرگ در عرصه های هنری کشور که با نقشی ستودنی موجب رشد و خلاقیت و تربیت نیروهای درونی جوانان ما هستند چه در تهران و چه در شهرستان ها در امور مالی زندگی روزمره خود درمانده شده اند و هیچ گونه پشتوانه ای برای امرار معاش و آینده خود و خانواده ندارند و اغلب برای مخارج تحصیل و تامین سلامت و بهداشت زندگی دچار معضلات و مشکلات لاینحل هستند، آن هم در حالی که به بسیاری از فضاهای غیر از فرهنگ و هنر، بودجه های کلانی اختصاص می یابد. مثلا در سازمان های ورزشی کمی و کاستی وجود ندارد. این در حالی است که هنر خوشنویسی قرن هاست به عنوان یک هنر معنوی نقشی سترگ در توسعه ادب و اخلاق و فضیلت جامعه داشته و به عنوان یک هنر قدسی بیش از هزار سال زینت بخش ابنیه تاریخی و مذهبی ما بوده است و هزاران اثر بی بدیل در قالب کتابت های فاخر و قرآن های مرصع در موزه های ایران و جهان به یادگار مانده است.کابلی با طرح این پرسش از مسئولان که مزد این شایستگی ها کجاست و چه کسی باید آن را پرداخت کند؟ گفت: متاسفم که بگویم کشورهای عربی حوزه خلیج فارس همه دستاوردهای هنری معاصر ما را چه از حیث ترغیب هنرمند و چه از نظر خرید آثار به خود جذب کرده اند. کشور ما با پشتوانه غنی این هنر، مظهر هنر خوشنویسی جهان به شمار می رود و ما مهد تمامی خطوط هستیم اما کشوری مثل ترکیه با بودجه های بسیار، مرکز مسابقات و جشنواره های جهانی خوشنویسی شده است و ما در خواب هستیم و دست روی دست گذاشته ایم.

وی در پایان درباره این موضوع که این روزها به عنوان خوشنویس به جز تدریس و تالیف آثار آموزشی و هنری که سال هاست به آن اشتغال دارد مشغول چه فعالیتی است و آیا تصمیم به برگزاری نمایشگاه دارد یا نه، بیان کرد: خوشبختانه اخیرا به همت و تلاش شخصی خودم و همیاری استاد محمد حیدری که از استادان پیشکسوت شکسته نویس معاصر است، به دنبال فراخوانی که برای همه شکسته نویس ها داشتیم نمایشگاهی با عنوان «سماع شکسته» در برج میلاد برپا کردیم که بی گمان بزرگترین نمایشگاه دوران معاصر بود که با شرکت ۱۴۱ تن از هنر مندان و استادان این قلم بر پا شد و نمایش با شکوهی از دستاورد خلاقه شکسته نویسی معاصر بود و تصمیم داریم این رویداد را به صورت تقویمی برگزار کنیم، اما باید بگویم این تلاش ملی مثل همه برنامه ها از هیچ حمایت مالی دولتی برخوردار نبود. بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم/ یا رب مباد کس را مخدوم بی عنایت.

منبع: خبرگزاری مهر